

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

دانشکده: معارف اسلامی

پایان نامه

رشته: مدرسی معارف - اخلاق اسلامی

عنوان:

بررسی نقش خانواده در پیشگیری و درمان

رذائل اخلاقی

استاد راهنما:

دکتر سید غلامرضا موسوی

استاد مشاور:

دکتر علیرضا آل بویه

نگارش:

حمید کارجو

مهر 1394

تقدیم به ...

امام مهدی موعود قائم آل محمد(ص)، او که با ظهورش عطش معنوی پیروان خود را سیراب می کند. و آنان که برای رسیدن به کمال دنبال کشف حقیقت هستند، و از هرگونه کژراهه و انحرافی دوری می جویند.

تقدیر و تشکر

بدون تردید موفقیت و پیروزی رهپویان علم و دانش در عرصه‌های مختلف علمی، پژوهشی، بدون بهره‌گیری از علم و تجربه اساتید متخصص و مشاورین آگاه و حرکت در چارچوب رهنمودها و روشن‌گری‌های خالصانه ایشان، میسر و مقدور نخواهد بود. عالمان و دانشمندان فرزانه، همواره در طول تاریخ، موفقیت و کامیابی‌های خود را در عرصه‌های مختلف علم و عمل، مرهون زحمات طاقت‌فرسا و مجاهدت‌های جبران‌ناپذیر اساتید بزرگوار خود، و همدلی‌های پدران و همراهی مشفقانه آن‌ها دانسته، و با تمسک به فرمایش امیرالمؤمنین که فرمودند: «من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً» همواره در برابر اساتید خود سر تعظیم و کرنش فرود آورده و از آن‌ها با عظمت و نیکی یاد کرده‌اند

اینجانب خدای را بر این نعمت شاکرم که توفیق استفاده از محضر اساتیدی بزرگ، و عالمانی وارسته را نصیب فرمود، و هدایت‌گری‌های بی‌دریغ و روشن‌گری‌های خالصانه آن‌ها را مشعل فروزان راهم قرار داد. در همین راستا از زحمات استاد عزیزم؛ جناب حجه الإسلام و المسلمین دکتر سید غلامرضا موسوی و دکتر علیرضا آل‌بویه که با راهنمایی و مشاوره عالمانه و مؤثر خود، بنده را در به ثمر رسیدن این تحقیق یاری نمودند صمیمانه تشکر و قدردانی نموده و مزید توفیقاتشان را از درگاه ایزد منان مسألت دارم.

و سپاس بی‌دریغ، نثار همسر مهربان و فداکارم و فرزند عزیز و خردسالم، که در فضایی سرشار از مهر و محبت آنان، توفیق این کار را پیدا کردم.

چکیده

در میان عوامل تأثیرگذار در تربیت و شخصیت انسانی، عامل خانواده از دیگر عوامل، تأثیرگذاری بیشتری دارد. خانواده نخستین آموزشگاهی است که کودک در آن قرار گرفته و براساس آنچه در آن می‌بیند و می‌آموزد، پایه‌های تربیتی و شخصیتی خود را پایه‌ریزی می‌کند. از جمله تربیت و شخصیتی که در خانواده صورت می‌گیرد تربیت و شخصیت اخلاقی کودک، نوجوان و جوان است. به‌گونه‌ای که گاهی دیده می‌شود که اخلاقی که آنان در آن محیط می‌آموزند جزء اخلاقیاتی می‌شود که به آسانی قابل رفع و تغییر نمی‌باشد. فلذا نقش خانواده در سازندگی شخصیت اخلاقی فرزندان بسیار مهم و قابل توجه می‌باشد. اما خانواده برای اینکه بتواند نقش خود را به خوبی در این راستا ایفاء نماید باید در کنار اینکه نسبت به متخلّق شدن فرزندان به فضائل اخلاقی اهتمام ورزد باید فرزندان را از رذائل- اخلاقی برحذر دارد و به‌گونه‌ای عمل کند که از افتادن فرزندان در ورطه رذائل اخلاقی پیشگیری شود که می‌تواند قبل از اینکه فرزند متولّد شود به‌وسیله دقّت و مراقبت در گزینش همسر، مراقبت‌های قبل و بعد از انعقاد نطفه، و بعد از تولّد او، به‌وسیله نامگذار نیک، تعلیم، تربیت، انتخاب و نظارت بر دوست‌یابی و تأمین صحیح نیازها، به پیشگیری از رذائل اخلاقی بپردازد. ولی در صورتی که از امر پیشگیری غفلت ورزید و یا علی‌رغم دقّت و اهتمام به این امر، فرزندان به رذائل اخلاقی مبتلا شدند می‌تواند به وسیله بایدهایی از قبیل وعظ و نصیحت، مشاوره، محبت و مهرورزی، توجه دادن به عواقب کار و تشویق و تنبیه، و پرهیز از نبایدهایی از قبیل تنبیه بدنی (در ابتداء تربیت و یا بیش از حد (در صورت لزوم))، تحقیر، تحمیل، تضاد و ناهماهنگی در گفتار و کردار به درمان آنان بپردازد.

کلیدواژه‌ها: خانواده، رذائل اخلاقی، پیشگیری، درمان

1..... فصل اول : کلیات و مفاهیم

2..... گفتار اول: کلیات

2..... بیان مساله

5..... سوالات تحقیق

5..... پیشینه تحقیق

8..... فرضیه تحقیق

9..... پیش فرض های تحقیق

9..... روش تحقیق

9..... ضرورت تحقیق

9..... اهمیت و فایده تحقیق

10..... گفتار دوم: مفاهیم

10..... 1- اخلاق

14..... 2- خانواده

17..... 3- فضائل و رذائل

19..... 4- پیشگیری

20..... 5- درمان

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.... فصل دوم: عوامل و ریشه های رذائل اخلاقی

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED..... مقدمه

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED..... 1- عوامل درونی

Error! Bookmark not defined. 1. جهل

Error! Bookmark not defined. تعریف جهل

Error! Bookmark not defined. 2. هوای نفسانی

Error! Bookmark not defined. 3. ضعف و سستی اراده

Error! Bookmark not defined. 4. تعصب و تقلید کورکورانه

Error! Bookmark not defined. تعریف تعصب

Error! Bookmark not defined. تعریف تقلید کورکورانه

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED...... 2- عوامل بیرونی

Error! Bookmark not defined. 1. تغذیه

Error! Bookmark not defined. 2. جامعه

Error! Bookmark not defined. 3. فرهنگ

Error! Bookmark not defined. 4. دوست

Error! Bookmark not defined. 5. خانواده

Error! Bookmark not defined. 1- وراثت

Error! Bookmark not defined. 2- تربیت نادرست

Error! Bookmark not defined. 3- محیط نامناسب خانواده

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED...... نتیجه گیری

فصل سوم: نقش خانواده در پیشگیری از رذائل اخلاقی. **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED...... مقدمه

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED...... 1- نقش خانواده قبل از تولد

Error! Bookmark not defined. 1. دقت و مراقبت در گزینش همسر

Error! Bookmark not defined. 2. مراقبت های لازم قبل از انعقاد نطفه

Error! Bookmark not defined. 3. مراقبت های لازم بعد از انعقاد نطفه

Error! Bookmark not defined. .. 1- مراقبت های متوجه مادر در دوران بارداری

Error! Bookmark not 2- مراقبت های متوجه پدر در دوران بارداری مادر

defined.

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED...... 2- نقش خانواده بعد از تولد

Error! Bookmark not defined. 1. نامگذاری نیک

Error! Bookmark not defined. 2. تعلیم

Error! Bookmark not defined. 3. تربیت

Error! Bookmark not defined. 4. انتخاب و نظارت بر دوست یابی

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED...... 5. تأمین صحیح نیازها

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED...... نتیجه گیری

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED. فصل چهارم: نقش خانواده در درمان رذائل اخلاقی.

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED...... مقدمه

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED...... 1- بایدها

Error! Bookmark not defined. 1. وعظ و نصیحت

Error! Bookmark not defined. 2. مشاوره

Error! Bookmark not defined. 3. محبت و مهرورزی

Error! Bookmark not defined. 4. توجه دادن به عواقب کار

Error! Bookmark not defined. 5. تشویق و تنبیه

Error! Bookmark not defined. 1- تشویق

Error! Bookmark not defined. 2- تنبیه

Error! Bookmark not defined. 6. تغییر موقعیت

Error! Bookmark not defined. 1- جداسازی از دوستان ناباب

Error! Bookmark not defined. 2- سالم سازی محیط

Error! Bookmark not defined. 3- هجرت

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED...... 2- نبایدها

Error! Bookmark not defined. 1. تنبیه بدنی

Error! Bookmark not defined. 2. تحقیر

Error! Bookmark not defined. 3. تحمیل

Error! Bookmark not defined. 4. تضاد و ناهماهنگی گفتار و کردار

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED...... نتیجه گیری و جمع بندی

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED...... منابع

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED..... کتابها

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED..... مقالات

فصل اول : کلیات و مفاهیم

گفتار اول: کلیات

بیان مساله

از دیدگاه دانشمندان و فیلسوفان اسلامی انسان دارای دو بُعد جسمانی و روحانی می‌باشد. برخلاف نظریه‌های فیزیکالیستی یا ماده‌گرایانه که بر این باورند که انسان یک موجودی کاملاً فیزیکی است و صرفاً جسمانی و مادی است و چیزی به عنوان نفس یا روح غیرمادی و غیربدنی وجود ندارد.^۱ بنابراین انسان موجودی دوساحتی است که از ساحت جسم و ساحت روح و نفس برخوردار می‌باشد. در قرآن آیات زیادی دلالت بر این امر دارد از جمله آیه 28 و 29 سوره حجر که می‌فرماید: «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ*فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ»^۲ و همچنین شواهد و قرائنی از جمله وجود نیروهای فراطبیعی در انسان، بر دوساحتی بودن انسان دلالت دارد. هم آزمایشات و هم گزارشاتی معتبر بر واقعیت داشتن ادراکات فراحسی دلالت دارد. پاره‌ای از اذهان می‌توانند از پاره‌ای از وقایع فیزیکی مطلع شوند بدون آنکه از آن وقایع، ادراک حسی داشته باشند یا در آن‌ها اندامهای حسی به‌کار برند (پیشگویی) و یا می‌توانند بدون استفاده از وسایل مادی، اشیاء را به حرکت درآورند. این پدیده‌ها با تلقی ماده‌گرایانه از جسم و ذهن و تک‌ساحتی بودن انسان ناسازگار است.^۳ اما در این میان، بُعد روحانی از اهمیت بیشتری برخوردار است. فلذا خداوند وقتی که می‌خواهد دمیده شدن روح در کالبد انسان را متذکر شود می‌فرماید: «وَ نَفَخْتُ مِنْ رُّوحِي»^۴ و روح و خلقت آن را به خود نسبت می‌دهد. و با بیان کلمه «روح

^۱ جمعی از نویسندگان، **جستارهایی در کلام جدید**، چاپ دوم، تهران، سمت، 1388، ص 238

^۲ بخاطر بیاور هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت من بشر را از گل خشکیده‌ای که از گل بد بوئی گرفته شده خلق می‌کنم*هنگامی که کار آن را به پایان رسانیدم و در او روح خود را دمیدم همگی برای او سجده کنید.

^۳ جمعی از نویسندگان، صص 372. برای وقوف و اطلاع بیشتر بر ادله دوساحتی بودن انسان و وجود روح می‌توانید به این کتاب، صص 370 - 373 مراجعه نمایید.

^۴ حجر(15) آیه 29

من» شرافت و برتری روح را بیان می‌کند.^۱ انسانیت انسان به روح او می‌باشد و اوست که «إلی الأبد باقی است. بنابراین عنصر اساسی وجود انسان، روح انسان است چرا که اگر چنین نباشد و جسم و بدن انسان را همسنگ به روح او بدانیم باید با متلاشی شدن جسم و بدن، هویت انسانی شخص نابود شود و انسانیت انسان از بین برود. زیرا هر چیزی که مرکب از دو جزء باشد و شیئیت آن، وابسته به هر دوی آن‌ها باشد با نابود شدن یکی از آن‌ها «کل» نابود می‌شود «الکُلُّ يَتَفَي بِإِتِّفَاءِ بَعْضِ أَجْزَائِهِ» چنانکه آب با نابود شدن یکی از اجزاء آن (اکسیژن یا هیدروژن) نابود می‌شود و دیگر چیزی به نام آب باقی نخواهد ماند. در صورتی که با متلاشی شدن و از بین رفتن جسم و بدن، هویت انسانی شخص و انسانیت انسان باقی می‌ماند.^۲

از همه این مطالب می‌توان این نتیجه را گرفت که در زندگی انسان آنچه حائز اهمیت است پرورش روح و إتصاف آن به سجایای اخلاقی و وصول آن به بالاترین مراتب هستی است که بوسیله رعایت اخلاق حاصل می‌شود. اهمیت اخلاق تا بدان جاست که خداوند متعال پیامبران را مبعوث کرد تا اینکه مردم را با اخلاق الهی تربیت کنند و آنان اساس مکارم اخلاق را در جهان بشریت پی‌ریزی کردند و بنای سجایای الهی را بنیان نهادند و کرائم اخلاق را به پیروان خود آموختند. پیامبران الهی در طول قرن‌های متمادی یکی پس از دیگری در تحکیم و گسترش آن اساس مقدس کوشیدند و انسانهایی را پرورش دادند و از مجاهدت خویش نتایج درخشانی به دست آوردند. سرانجام خاتم الأنبیاء حضرت محمد به رسالت مبعوث گردید. او مأموریت یافت تا مکارم اخلاق را به کمال نهایتش برساند و بنایی که رجال الهی پایه‌گذاری کرده بودند تتمیم و تکمیل کند و مسلمین را از عالیترین صفات اخلاقی، انسانی برخوردار سازد فلذا خود پیامبر مکرم

^۱ محمدتقی مصباح‌یزدی، معارف قرآن، تک جلدی، چاپ دوم، قم، انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)، 1378، ص 375

^۲ همان، ص 449 - 450

اسلام نیز هدف اساسی بعثت خود را اتمام مکارم اخلاق شمرده است «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»¹

حال با توجه به اینکه از طرفی انسان‌ها موجوداتی کمال طلب هستند و این از خصوصیات فطری آن‌ها است که همه خواهان کمال و شایستگی و در جستجوی آن هستند و همواره دنبال کمال می‌باشند. و از طرفی دیگر، فضائل اخلاقی همچنانکه علماء و عرفاء و فلاسفه اذعان دارند آموری اکتسابی هستند و دستیابی به آنها در فرآیندی تدریجی و در ساحت‌های مختلف زندگی اجتماعی بدست می‌آید لازم است که محیط اجتماعی به گونه‌ای شکل بگیرد که زمینه را برای اکتساب فضائل و سجایای اخلاقی و دوری و اصلاح رذائل اخلاقی فراهم سازد. محیط اجتماعی یکی از محرکات آدمی است که باعث فعالیت انسان و انجام برخی از امور می‌شود. و به تعبیر دیگر برخی از فعل و انفعالات انسان محصول محیط و روابط اجتماعی انسان است. و این را نمی‌توان انکار کرد که در میان عوامل اجتماعی، بیشترین و مهمترین عاملی که در فعل و انفعالات انسان و در تربیت و شخصیت انسان علی‌الخصوص تربیت و شخصیت اخلاقی و کسب فضائل و دوری از رذائل اخلاقی تأثیر بسزایی دارد، عامل «خانواده» است. اگرچه اجتماع و نهادهای دیگری مانند آموزشگاه‌ها و مدارس و صداوسیما و... تأثیر دارند ولی بیشترین عامل تأثیرگذار، «خانواده» است. اینکه خانواده پر از حرکت و جنب و جوش یا قرین آرامش و فاقد جنب و جوش و حرکات بسیار باشد، اینکه وضع اقتصادی و مالی خانواده متعادل یا غیرمتعادل باشد، چگونگی امر و نهی پدر و مادر، گفتارها و رفتارهای آنان با یکدیگر و با فرزندان، حرکات و احساسات و عواطفی که در مواجهه با پیشامدهای زندگی ابراز می‌دارند، هماهنگی و حسن تفاهم یا ناسازگاری و احیاناً جدایی آنان، شریف و پرهیزگار یا فرومایه و نادرست بودن آنان، و خلاصه هر آنچه در خانواده می‌گذرد در تربیت اخلاقی فرزندان و دیگر اعضای خانواده تأثیرگذار است. بنابراین «خانواده» در حوزه و مسئولیت تربیت اخلاقی فرزندان، دو کارایی مهم دارد؛ یکی آنکه

¹ علی بن حسام‌الدین متقی هندی، کنز العمال فی سنن الأقبوال و الأفعال، 18 ج، بیروت، الرساله، ، 1409ق،

ج3، ص 16، حدیث 52175

فرزندان خود را طوری تربیت کند که متّصف به سجایای اخلاقی شوند و دوم اینکه آنها را از رذائل اخلاقی دور نگه دارد، از این رو این پرسش مطرح می‌گردد که «خانواده» چه نقشی در پیشگیری و درمان رذائل اخلاقی می‌تواند داشته باشد.

سوالات تحقیق

* سؤال اصلی تحقیق عبارت است از:

نقش خانواده در پیشگیری و درمان رذائل اخلاقی چیست؟

* سؤالات فرعی تحقیق عبارت است از:

1. عوامل و زمینه‌های رذائل اخلاقی چیست؟
2. خانواده چگونه به پیشگیری از رذائل اخلاقی می‌پردازد؟
3. خانواده چگونه می‌تواند به درمان رذائل اخلاقی می‌پردازد؟

پیشینه تحقیق

آثاری که در این زمینه تألیف شده و در آنها به این موضوع پرداخته شده است را می‌توان به دو قسم تقسیم نمود:

1. آثاری که به صورت مستقیم به این موضوع پرداخته و به صورت خاص، نقش خانواده در این رابطه را مورد بررسی قرار داده است که در این قسم فقط یک اثر یافت شد و آن، کتاب «بررسی عوامل مؤثر در کجروی و نقش خانواده در آن» نوشته آقای شمس‌الله مریجی است. این کتاب، اثری ارزشمند است که در آن به نقش خانواده در پیشگیری و درمان رذائل و انحرافات پرداخته شده است. اما در عین حال، نویسنده این کتاب با بیان عوامل مؤثر در انحرافات اجتماعی، با نگاهی جامعه‌شناسانه، نقش خانواده در پیشگیری و درمان آن انحرافات (بوسیله جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری) را مورد بررسی قرار داده است. در حالی که در این تحقیق علاوه بر بررسی نقش خانواده در پیشگیری و درمان رذائل اخلاقی که هم شامل رذائل فردی و هم رذائل اجتماعی می‌شود با نگاهی اخلاقی و

تربیتی به این موضوع پرداخته خواهد شد. پس این تحقیق از دو جهت متمایز از آن اثر می باشد: یکی از جهت حوزه و گستره بحث، که این تحقیق هم رذائل اخلاقی فردی و هم اجتماعی را شامل می شود. برخلاف آن اثر که فقط ناظر به رذائل و انحرافات اجتماعی است. و دوم از جهت شیوه بحث، که یکی براساس نگاه تربیتی و اخلاقی، و دیگری براساس نگاه جامعه‌شناسی، بحث را دنبال می کند.

2. آثاری که به صورت غیرمستقیم، به این موضوع پرداخته است و در آن‌ها یا به صورت پراکنده به این موضوع اشاره شده است و یا تحت عناوینی دیگر همانند وظایف خانواده در تربیت و یا شیوه‌های تربیت و... این موضوع را مورد بررسی قرار داده است. و در واقع می توان از آن وظایف و روش‌ها، در پیشگیری یا درمان رذائل اخلاقی فرزندان استفاده نمود. در این قسم، می توان به آثار زیر اشاره نمود:

کتاب‌ها:

1. خانواده در قرآن: تألیف دکتر احمد بهشتی: در این کتاب، دیدگاهها و رهنمودهای قرآن و اخلاق در مورد خانواده به صورت مبسوط و مفصل بیان شده است اما در مورد نقش خانواده در پیشگیری و درمان رذائل اخلاقی فقط به صورت محدود اشاراتی شده است.

2. راه سعادت خانواده: تألیف آیت الله هادی روحانی: این کتاب، کتابی اخلاقی است که خانواده‌ها را به سوی مسیر استحکام و آرامش راهنمایی می کند و رهنمودهایی دارد که می تواند خانواده را در پیشگیری و درمان رذائل اخلاقی کمک کند ولی بصورت خاص از این موضوع در آن بحث نشده است.

3. وظایف تربیتی خانواده از دیدگاه تربیت و روانشناسی اسلامی: تألیف سید محمد شفیعی مازندرانی: در این کتاب وظایف خانواده و اعضای آن بیان شده است که می تواند در این تحقیق، راهنمای خوبی باشد ولی مباحث آن به صورت پراکنده و خلاصه می باشد.

4. سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع): تألیف محمد داوودی و علی حسینی زاده: در این کتاب به روش‌های زمینه‌ساز تربیت (تربیت اعتقادی، عبادی، اخلاقی، علمی) و سیره و روش پیامبر مکرّم اسلام و اهل‌بیت در این زمینه به صورت مبسوط و مفصل پرداخته شده است اما در عین حال اولاً بحث آن عام و فراگیر است و از طرفی تمام جوانب تربیت را بحث نموده است و از طرفی دیگر غیر از نهاد خانواده و اعضاء آن، نهاد و افراد دیگر را نیز شامل می‌شود در حالی که بحث ما در این تحقیق فقط نقش خانواده در تربیت اخلاقی (و آن هم فقط جنبه دوری از رذائل اخلاقی) و چگونگی ایفای این نقش توسط نهاد خانواده می‌باشد و ثانیاً در این کتاب از پیشگیری و درمان رذائل اخلاقی بخصوصه بحث نشده است درحالی که بحث ما در این تحقیق در این مورد است.

5. تربیت فرزند از نظر اسلام: تألیف حضرت آیت الله حسین مظاهری؛ در بخشی از این کتاب راجع به مراقبت‌هایی که بر والدین لازم است در تربیت فرزند (قبل از تولد و بعد از تولد) رعایت کنند پرداخته شده است ولی به تمام جوانب پرداخته نشده است و حال آنکه آنچه که مورد بحث ما است عام و فراگیر بوده و بخشی از آن، اینگونه مراقبت‌ها می‌باشد.

6. اسلام و تعلیم و تربیت: تألیف آیت الله ابراهیم امینی؛ این کتاب، کتابی ارزشمند است که در بخش‌هایی از آن به مراحل تربیت و پرورش و مراقبت‌های لازم در این مراحل پرداخته شده و علاوه بر بحث از تربیت و پرورش ابعاد و جنبه‌های جسمانی فرزند به بحث از ابعاد و جنبه‌های انسانی و اخلاقی او پرداخته است اما در آن فقط به گوشه‌هایی از تحقیق ما اشاره شده است و به نقش خانواده در پیشگیری و درمان رذائل اخلاقی پرداخته نشده است.

7. روشهای آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی: تألیف محمدرضا قائمی مقدم، در این کتاب به روشهای نادرستی که والدین ممکن است در جهت تربیت فرزندان خود اتخاذ و اجرا کنند و آسیب‌ها و پیامدهای ناخوشایند آن روشها پرداخته شده است که در

واقع فقط بخشی از فصل چهارم تحقیق ما را که بحث از نبایدهای و پرهیزات والدین در درمان رذائل اخلاقی که فرزند مبتلا به آن شده است شامل می شود.

مقالات:

1. نقش خانواده در تربیت دینی: نوشته مدبر عزیزی، مجله تربیت، 1375، شماره 109

2. نقش خانواده در تربیت دینی فرزندان: نوشته مزگان علامه محب، مجله پیوند،

1390، شماره 378 و 379

3. تربیت دینی با تأکید بر نقش مهم خانواده: نوشته ایرج شاکری نیا، مجله مصباح، 1383،

شماره 50

4. نقش خانواده در تربیت فرزندان: نوشته حسین علی کوهستانی، مجله پیوند، 1371، شماره

158

5. شاخص های خانواده متعادل در اسلام: نوشته اسماعیل نساجی، مجله درسهایی از مکتب

اسلام، 1392، شماره 626

6. نقش خانواده از دیدگاه پرورشی اخلاقی: نویسنده معلم، مجله پیوند، 1359، شماره 7

7. تربیت دینی خانواده: نوشته محمد احسانی، مجله معرفت، 1378، شماره 32

اما این مقالات با رویکردی تربیتی فقط به بحث تربیت پرداخته است و در آنها به صورت محدود به نقش خانواده در پیشگیری و درمان رذائل اخلاقی پرداخته شده است.

علاوه بر این آثار، ممکن است آثار دیگری، در این زمینه، تألیف شده باشد که علی-رغم تلاش و کوشش نگارنده این تحقیق، از نظر وی دور مانده باشد.

فرضیه تحقیق

«خانواده» می تواند بوسیله عمل نمودن به رهنمون های ضروری تربیتی و اخلاقی به پیشگیری و درمان رذائل اخلاقی فرزندانش بپردازد.

پیش فرض های تحقیق

برخی پیش فرض های تحقیق عبارت است از:

1. اخلاق از مهمترین و ضروری ترین عناصر در تربیت انسان می باشد.
2. یکی از نهادهایی که در جامعه وجود دارد و بیشترین تأثیر در تربیت اخلاقی فرزندان دارد نهاد «خانواده» است.

روش تحقیق

- در این تحقیق با مراجعه به مجموعه کتب اخلاقی و تربیتی، به بررسی توصیفی - تحلیلی، نقش خانواده در پیشگیری و درمان رذائل اخلاقی پرداخته خواهد شد.

ضرورت تحقیق

بدون شک در عصر کنونی که عصر پیشرفت علم و تکنولوژی و عصر فناوری و ارتباطات است روزبه روز جامعه دچار رذائل اخلاقی جدید و بیشتری می شود. فلذا ایمان و اخلاق در جامعه نقش و جایگاه مهمی دارد و جامعه و آحاد آن با تشنگی فراوان درصدد یافتن راهی جهت دوری و درمان این رذائل می باشند و یکی از این راهها نهاد خانواده است. پس هدف از این تحقیق این است که روشن شود که نقش خانواده در رابطه با پیشگیری و درمان این رذائل چیست؟ و چگونه با آنها برخورد می کند؟

اهمیت و فایده تحقیق

علاوه بر وجود خلأ علمی نسبت به این موضوع، از طرفی در جامعه شاهد روز افزون رذائل اخلاقی و کم شدن فضائل اخلاقی هستیم و گاهی اوقات وقتی از عاملان آن رذائل علت ارتکاب را جویا می شویم چه بسا سبب آن را جامعه یا خانواده یا... میدانند. درحالی که خانواده می تواند عاملی برای ترک رذائل باشد. و از طرفی دیگر، مکاتب زیادی مانند فمینیسم در دنیای امروز فعالیت و جنگ علیه خانواده را آغاز نموده اند و

اهداف آنها از بین بردن شکل صحیح خانواده است¹ فلذا می‌طلبید ما نقشی که خانواده نسبت به پیشگیری و درمان رذائل اخلاقی ایفاء می‌کند را مورد بررسی قرار دهیم. و از همه مهمتر اینکه اگر ما بخواهیم جامعه‌ای سالم داشته باشیم باید به تربیت دینی و اخلاقی افراد و اعضاء جامعه پردازیم. فلذا کانون‌های تربیتی باید نهایت دقت و سعیشان را در این زمینه داشته باشند. و عمده تربیت افراد و بیشترین شخصیت آنان مخصوصاً کودکان و نوجوانان در کانون خانواده صورت می‌گیرد لذا خانواده در این میان نقش بسزایی دارد. بنابراین، این سوال مطرح خواهد شد که خانواده در راستای دوری و عدم ابتلاء افراد به رذائل اخلاقی باید چکار کند؟ و نهایتاً اگر در این زمینه کوتاهی کرد و افراد دچار رذائل شدند و یا علی‌رغم انجام وظیفه خود، عواملی دیگری، افراد را به رذائل سوق دادند یا مبتلا کردند باید چکار کند؟ در این تحقیق به این دو سؤال مفصلاً جواب داده خواهد شد.

گفتار دوم: مفاهیم

1- اخلاق

در لغت: «اخلاق» جمع «خُلُق» است که به معنای شکل درونی و سرشت و سنجیه آمده است. به غرایز، ملکات و صفات روحی و باطنی که در انسان وجود دارد اخلاق گفته می‌شود.² وقتی که واژه «اخلاق» و «خُلُق» از نظر لغوی به معنای سرشت و سنجیه استعمال می‌شود اعم از سجایای نیکو و پسندیده مانند امانت‌داری، راستگویی، ... و سجایای ناپسند مانند غیبت، نفاق، دروغ‌گویی و ... می‌باشد. لفظ «اخلاق» اختصاص به صفات نیکو و پسندیده نداشته بلکه شامل صفات زشت و ناپسند نیز

¹ حسین بستان (نجفی)، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، چاپ اول، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، 1383،

ص 13

² جمال‌الدین محمد ابن منظور، لسان العرب، 18 ج، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1416 ق، ج 4، ص 194

می‌شود. همانطور که بعضی انسان‌ها دارای خُلق نیک هستند برخی دیگر گرفتار خُلق ناپسند می‌باشند.

مقابل واژه «خُلق» واژه «خَلَق» به فتح خاء است که به معنای شکل ظاهری انسان و حالت و کیفیت محسوس اشیاء قرار دارد، چنانچه رسول مکرم اسلام در حدیثی می‌فرماید: «اللَّهُمَّ حَسِّنْ خُلُقِي كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي»^۱ خدایا همانطور که خلقت و صورتم را زیبا کردی، اخلاق و رفتارم را زیبا نما. در زبان فارسی از «خَلَق» بفتح خاء، به صورت و واژه «خُلق» بضم خاء به سیرت تعبیر می‌شود. صورت به ویژگیهای ظاهری انسان مانند رنگ پوست، مو، بلند و کوتاهی قد، چاقی و لاغری و زشتی و زیبایی و سیرت به ویژگیهای باطنی و معنوی انسان مانند مهربانی، نرمخویی، شجاعت و... گفته می‌شود.

به گفته لغت شناس بزرگ، راغب اصفهانی، «خُلق» با «خَلَق» هم‌ریشه است و هر دو واژه به معنای آفریدن و خلقت می‌باشد. مانند «شُرب» و «شَرَب» (آشامیدن) یعنی «خُلق» و «خَلَق»، از نظر آوایی با هم متفاوتند نه معنایی، اما معمولاً در موارد متفاوتی بکار می‌روند. به این صورت که اگر بخواهیم به شکل ظاهری افراد اشاره کنیم و خلقت صوری آنان مد نظر باشد از تعبیر «خَلَق» استفاده می‌کنیم، اما اگر بخواهیم از ویژگیهای درونی افراد - که با چشم سر دیده نمی‌شود - یاد کنیم از واژه «خُلق» بهره می‌گیریم و به عبارت دیگر، آنچه که با چشم دل دیده می‌شود «خُلق» نام می‌گیرد.^۲ یکی از تفاوت‌های خُلق و خَلَق این است که شکل ظاهری و ساختمان طبیعی، ناشی از قوانین خلقت و سنن آفرینش است و چگونگی آن در اختیار ما نیست اما شکل اخلاقی و معنوی ما اغلب اکتسابی است و افراد باید از راه مجاهده و کوشش، خویشتن را به فضائل اخلاقی متخَلق نمایند و با تحمّل سختی‌ها و مشکلات، شکل باطنی خویش را به خوبی و شایستگی بسازند، و اگر در اینجا تعبیر به اغلب کردیم از این جهت است که

۱. حسن بن فضل طبری، مکارم الاخلاق، قم، شریف راضی، ۱۴۱۲ق، ص ۹۶

۲. راغب الاصفهانی، المفردات لألفاظ القرآن الکریم، چاپ چهارم، قم، طلیعه نور، ۱۴۲۹ق، ص ۲۹۷

پارهای از صفات برای برخی افراد جنبه وراثتی دارد و به صورت طبیعی واجد آن هستند و برای برخی افراد اکتسابی است و باید با إرادة و قصد، آن را تحصیل کنند.

در اصطلاح: قبل از اینکه به تعریف اصطلاحی اخلاق پردازیم، به دو نکته که در فهم اخلاق مؤثر است، اشاره می‌کنیم:

فلاسفه گفته‌اند: از کیفیات نفسانی، آنچه که سریع‌الزوال و زودگذر باشد آن را «حال» و آنچه که بطی‌الزوال و ثابت و مستمر باشد، بگونه‌ای که به عنوان طبیعت ثانویه او به حساب آید، آن را «ملکه» می‌گویند.¹ پس «ملکه» کیفیتی نفسانی است که راسخ در نفس است.

انسان در کارهایی که با إرادة و اختیار خود انجام می‌دهد، غالباً محتاج به تدبّر و تفکّر است، یعنی هر کاری که انجام بدهد ابتداءً خود آن کار را و سپس منافع و مضارّ و خیر و شرّی که بر آن مترتب است را تصوّر می‌کند و پس از تصدیق به منافع و اینکه انجام آن کار برای او مفید است نسبت به آن میل پیدا می‌کند. بعد از گذراندن این مراحل تصمیم بر انجام آن می‌گیرد و یا در صورت تصدیق به ضرر و اینکه آن کار برای آن شرّ است، از انجام آن خودداری می‌ورزد. ولی بعضی از کارها، انسان، در اثر ممارست و پی‌درپی انجام دادن، نیاز به تأمل و تفکّر ندارد بلکه به طور خودکار عمل می‌کند. همانند شخص بخشنده و سخی، در بخشش و کمک به مستمندان و یا فرد شجاع، در رفتن به میدان نبرد و حمله به دشمن، این گونه افراد در کارشان نیازمند به سنجش و سبک و سنگین کردن نیستند، زیرا آن کار در اثر تکرار، بصورت ملکه و هیئات راسخه در نفسشان درآمده است و به عنوان طبیعت ثانویه آنان جلوه می‌کند. به طوری که در انجام آن نیازی به محاسبه و تفکّر نداشته و بدون هیچ مقدمه‌ای وارد عمل می‌شوند. اصطلاحاً چنین ملکه و هیئات راسخه در نفس را «خُلُق» می‌گویند.²

¹. محمدحسین طباطبایی، **نهایه الحکمه**، چاپ سوم، قم، موسسه النشر الاسلامی، 1428، فصل 15 از مباحث

مقولات عشر، ص 207

². همان، ص 208 - 212

اینک با توجه به این دو نکته، اخلاق در اصطلاح روشن می شود که اخلاق عبارت است از: ملکات نفسانی، صفات و ویژگی های پایدار در نفس که موجب می شوند کارهایی متناسب با آن صفات، به طور خود جوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل از انسان صادر شود.

ابوعلی مسکویه درباره تعریف اخلاق گفته است: «اخلاق، حالتی نفسانی است که بدون نیاز به تفکر و تأمل، آدمی را به سمت انجام کار حرکت می دهد».¹

خواجه نصیرالدین طوسی نیز اخلاق را اینگونه تعریف می کند: «خُلُق ملکه بود که نفس را مقتضی صدور فعلی بود از او، بی احتیاج تفکری و رویتی».² و عبدالله شبر نیز اخلاق را چنین تعریف می کند: «خُلُق انسان همان هیئت و قیافه ثابت نفسانی است که به آسانی و بدون تفکر باعث صدور افعال انسان می شود»³

البته واژه اخلاق در اصطلاح در معنایی دیگر نیز به کار می رود که در واقع معنای حقیقی اخلاق، همان معنا و تعریفی است که بیان شد و این معنا، معنایی مجازی و عرفی می باشد که بر اثر کثرت استعمال، بصورت معنایی اصطلاحی برای واژه اخلاق در آمده است و آن اینکه گاهی در لسان عرف، اخلاق، صفت برای افعال انسانی قرار می گیرد و به هر کسی که کاری را که مورد رضایت شارع قرار گرفته است انجام دهد او را دارای اخلاق فاضله و حسنه می دانند و هر کسی که مرتکب کاری شود که مورد نهی شارع قرار گرفته است را دارای اخلاق سیئه می شمارند.

از مجموع این تعاریف که برای اخلاق و خُلُق شد این نکته می توان برداشت نمود که دو نوع افعال و اعمال انسان، اگرچه شاید بصورت مجازی و در عرف از اخلاق او شمرده شود ولی از اخلاق حقیقی او محسوب نمی شود: 1- افعالی که به ندرت از

¹ . ابن مسکویه، تهذیب الاخلاق و تطهیر الأعراق، اصفهان، مهدوی، (بی تا)، ص 51

² . خواجه نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، تصحیح و تعلیق مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، چاپ ششم، 1387، تهران، خوارزمی، ص 56

³ . عبدالله شبر، اخلاق (ترجمه کتاب الاخلاق)، چاپ یازدهم، ترجمه محمدرضا جباران، قم، هجرت، 1384،

انسان صادر می شود به گونه ای که با افعال معمولی او متفاوت است. مانند کسی که گاهی بخاطر مسائل عارضی بخشش می کند. به این شخص، سخاوتمند نمی گویند چون سخاوت در نفس او رسوخ نکرده است. فلذا در تعریف اخلاق، عناوینی همچون «ملکه ای که...» یا «قیافه و هیئت نفسانی که...» به کاربرده شد 2 - افعالی که انسان با زحمت و تکلف عملی بر خود تحمیل می کند. مانند کسی که با زحمت بخشش می کند. اینگونه افعال نیز جزء اخلاقیات انسان نیستند به همین خاطر در تعریف «اخلاق» گفته شد «بدون تفکر و به آسانی باعث صدور افعال شود.»¹

2- خانواده

در لغت: «خانواده» در لغت به معنای «دودمان و تبار، زن و فرزند» آمده است.² فیروزآبادی در تفسیر و تعریف خانواده در لغت می گوید: «خانواده سپرآهین است و برای مرد نیروی مطمئن»³ و این اثر می گوید: «خانواده همان عشیره و خاندان اوست. چرا که با ایشان قدرتمند می شود»⁴ بنابراین مفهوم لغوی خانواده تنها در حوزه قلمرو فرزندان و خانواده نیست، بلکه شامل نزدیکان و خویشان او که با آنها قدرتمند می شود نیز هست.

در اصطلاح: از آنجا که نهاد خانواده در طول تاریخ و در فرهنگ های مختلف در شکل های گوناگون تحقق یافته و نیز به جهت اینکه یک خانواده معین ممکن است در معرض حوادثی از قبیل فوت همسر یا طلاق و انتقال به وضعیت تکسرپرستی و یا توقّف رابطه جنسی قرارگیرد، ارائه تعریفی جامع و جهان شمول را از واژه «خانواده»

1. همان

2. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، 15 ج، چاپ دوم، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، 1377، ج6، ص 9438

3. باقر شریف قرشی، نظام خانواده در اسلام، ترجمه لطیف راشدی، چاپ سوم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین- الملل، 1382، ص 1، «به نقل از القاموس المحيط»

4. مبارک ابن محمد ابن اثیر جزری، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، ج 1، مصحح: محمود طنحی، قم، اسماعیلیان، 1376، ص 48

دشوار می‌نماید و به همین دلیل تعریف‌های ارائه شده معمولاً با مشکل عدم جامعیت یا عدم مانعیت روبه‌رو هستند.^۱

تعاریفی که صاحب‌نظران برای خانواده ارائه کرده‌اند در بردارنده نقاط اشتراک و امتیازی هستند و هر کدام از آن‌ها به بُعدی از خانواده توجه داشته و براساس ملاک و معیاری به تبیین آن پرداخته است. از این رو شاید مناسب‌تر این باشد که خانواده را با توجه به ویژگیها و مشخصه‌های اساسی آن، که در بردارنده تمامی ابعاد خانواده است تعریف کنیم. فلذا تعریف خانواده براساس ویژگیها و مشخصه‌های اساسی آن عبارتست از:

* از عمومی‌ترین سازمان‌های اجتماعی است که براساس ازدواج بین یک مرد و دست‌کم یک زن شکل می‌گیرد.^۲

* بین آنها صورت‌هایی از تقسیم کار وجود دارد، هر یک کاری متفاوت از دیگری انجام می‌دهد تا نظام جمعی واحد کار سازمان یابد.^۳

* بین آنان مبادله اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و احساسی وجود دارد و از این طریق ضمن مبادله، به همکاری و همیاری یکدیگر اقدام می‌کنند.^۴

* آنان وجوه مشترکی از قبیل محل سکونت، غذاخوردن، فرهنگ و انتظارات دارند.^۵

* بین آنان رابطه‌های سببی (عقدازدواج) سببی (والدینی، فرزندی، خواهری و برادری) و گاهاً فرزندپذیری برقرار می‌باشد.^۶

* والدین نسبت به فرزندانشان اقتدار دارند و در مقابل، فرزندان انتظاراتی از والدینشان دارند. در

^۱ برای اطلاع از تعاریف صاحب‌نظران برای واژه خانواده می‌توانید به کتاب **اسلام و جامعه شناسی خانواده**، تألیف حسین بستان و همکاران، صص 46-48 مراجعه کنید.

^۲ محمدرضا سالاری‌فر، **خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی**، چاپ چهارم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

1387، ص 13

^۳ . همان.

^۴ . همان.

^۵ . همان.

^۶ . همان.

- ضمن حمایت عاطفی، مالی و آموزشی از طرف والدین نسبت به فرزندان صورت می گیرد.^۱
- * این افراد نسبت به هم متناسب با نوع نسبت و ارتباط، مسئولیت‌های اجتماعی، حقوقی، تربیتی و دینی دارند.^۲
- * از قدیم الایام وظیفه تولید مثل، پرورش کودک، تولید اقتصادی و... را بر عهده داشته است.
- * افرادی متفاوت با وظایف مشترک و مختلفی در آن وجود دارند.^۳
- * در این سازمان، منافع مشترکی دنبال می شود.^۴
- * حقوق متقابلی بین افراد یا اعضاء وجود دارد.^۵
- * روابط منظم و مشخصی بین اعضاء برقرار می گردد و این روابط غالباً صمیمی و همه جانبه است.^۶

اگرچه تعریف ارائه شده در مورد خانواده، ممکن است مورد نقد و مناقشه باشد اما به لحاظ اینکه ابعاد فراوانی از ویژگیهای خانواده را در کنار هم جمع نموده، نسبت به تعاریف دیگر، دارای اولویت است. پس خانواده در اصطلاح عبارتست از: **یک واحد اجتماعی که این ویژگیها و مشخصه‌ها را دارا باشد.** و مقصود ما در این تحقیق از واژه «خانواده» عام بوده و همه کسانی که به طور مستمر یا غالب با کودک زندگی می کنند مانند پدر، مادر، پدربزرگ، مادربزرگ، برادر و خواهر بزرگتر را شامل می شود. البته در این میان چون پدر و مادر سرپرستی خانواده را بر عهده دارند بسیاری از وظایف و روش‌ها بر عهده آنها می باشد. فلذا در این تحقیق بیش از نقش و وظایف سایر اعضاء خانواده، به نقش و وظایف والدین پرداخته شده است.

1. همان.

2. همان.

3. علی قائمی، **خانواده و فرزندان، دوره پیش دبستانی**، چاپ پنجم، تهران، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، 1378، ص 13

4. همان.

5. همان

6. همان.

3- فضائل و رذائل

آنچه مقصود و مورد بحث ما است بحث از رذائل اخلاقی می باشد. اما با توجه به اینکه «تُعْرِفُ الْأَشْيَاءَ بِضِدِّهَا» هر چیزی به وسیله شناخت ضدش بهتر شناخته می شود ما نیز برای بهتر روشن شدن معنا و مفهوم واژه رذائل اخلاقی علاوه بر تعریف آن به تعریف ضدش یعنی فضائل اخلاقی می پردازیم.

در لغت: فضائل، جمع فضیلت است، فضیلت از ماده «فَ ضَ لَ» به معنای درجه بلند در فضل، برتری ها و فزونی در علم و معرفت آمده است.¹ مصدر آن «أَلْفَضَلَ» به معنای زیاد بودن می باشد.² علامه طباطبایی هم می فرماید: «کلمة «فضل» مانند کلمه «فضول» به معنای زیادی است. با این تفاوت که، «فضل» به طوری که گفته اند زیادی در مکارم و کارهای ستوده است و «فضول» به معنای زیادی در ناستوده است.»³ پس فضیلت به معنای صفت نیکو و پسندیده می باشد برخلاف رذیلت.

واژه «رذائل»: جمع رذیلت است از ماده «رَ ذَ لَ» که بر دو وزن «رَذَلٌ يَرْذُلُ» و «رَذَلٌ يَرْذُلُ» آمده است به معنای پست و حقیر و زشت و ناپسند می باشد. رذیلت به معنای صفت پستی و فرومایگی و هرزگی می آید که ضد فضیلت است.⁴

در اصطلاح: هر آنچه که انسان را در رسیدن به هدف حقیقی خلقت _ عبادت و بندگی خداوند و رسیدن به قرب الهی و وصول به قلّه الیقین - نماید در اصطلاح فضیلت نام دارد. و در مقابل هر آنچه که انسان را از آن باز دارد رذیلت به شمار می آید.⁵ و در نظر داشته باشید که در تعریف اخلاق گفته شد که گاهی این کلمه به معنای صفات نفسانی و ملکات نفسانی به کار برده می شود. و گاهی بر افعال خوب و بد

1. محمد معین، فرهنگ فارسی، ج6، چاپ یازدهم، تهران، امیرکبیر، 1376، ج2، ص 2554

2. راغب الاصفهانی، ص 639

3. علامه طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، قم، اسماعیلیان، 1393، ج2، ص 245 و 246

4. حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، چاپ اول، تهران، بهنود، 1389، ص

5. محمدتقی مصباح یزدی، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، چاپ چهارم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1393، ص 328 و 340

اطلاق می‌شود که بر صفات و افعال حسنه، فضیلت و بر صفات و افعال سیئه، رذیلت اطلاق می‌شود. و در این تحقیق منظور از این دو واژه «فضائل و رذائل» عام بوده و هم این صفات و ملکات و هم افعال حسنه و سیئه را شامل می‌شود.

برخی فضیلت را همان حد اعتدال قوای نفسانی انسان می‌دانند که به طرف افراط و تفریط تمایل نداشته باشد. در چنین دیدگاهی، اعتدال رأس همه فضائل برشمرده می‌شود. و در مقابل هر آنچه که در مقابل عدالت است و به طرف افراط یا تفریط گرویده باشد رذیلت برشمرده می‌شود. ارسطو می‌گوید: «فضیلت و رذیلت در زمره عواطف نیستند. زیرا ما نه به سبب عواطف عاری از خرد بلکه به علت فضیلت و رذیلت نیک و بد به شمار می‌آییم. از این گذشته ما به سبب عواطف عاری از خرد ستوده یا نکوهیده نمی‌شویم و آدمیان تنها به سبب و به اندازه فضیلت و رذیلتشان ستوده یا نکوهیده می‌شوند و همچنین فضیلت و رذیلت استعداد هم نیستند (به همان دلیل که در زمره عواطف نیستند...) بلکه فضیلت ملکه‌ای است که حد وسط میان دو رذیلت، که یکی افراط و دیگری تفریط مثلاً در دادن و گرفتن پول، حدوسط گشاده دستی است، و افراط و تفریط اسراف و خست است.»¹

ملا احمد نراقی در کتاب معراج السعاده می‌فرماید: «در برابر هر صفت نیکی، اخلاق رذیله غیرمتناهی‌ای از دو طرف افراط و تفریط است و قاعده کلیه آن است که: دانستی که اوصاف حمیده، حکم وسط را دارند و انحراف از آنها را به هر طرف افراط و تفریط - هریک که باشد - مذموم است و از اخلاق رذیله است پس در مقابل هر جنسی از صفات فاضله، دو جنس از اوصاف رذیله متحقق خواهد بود.»²

نکته آخر در مورد فضائل و رذائل اینکه فضائل اخلاقی در نهاد آدمی ریشه دارد برخلاف رذائل اخلاقی که آموری عارضی هستند. به این معنا که انسان از نظر علوم حصولی نادان و عاری از آنها به دنیا آمده است «وَاللّٰهُ اَخْرَجَكُمْ مِّنْ بُطُوْنِ اُمَّهَاتِكُمْ

¹ . ارسطو، اخلاق نیکو ماخوس، ترجمه محمد حسین لطفی تبریزی، چاپ اول، تهران، طرح نو، 1378 صص 61-74

² . ملا احمد نراقی، معراج السعاده، چاپ سوم، تهران، فراروی، 1384، ص 45

لا تَعْلَمُونَ شَيْئًا^۱ ولی در علوم حضوری و شهودی مانند معرفت حق و اسماء و تعینات او با سرمایه «فطرت توحیدی» آفریده شده است «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»^۲ در زمینه مسائل علمی نیز چنین است. هنگامی که روح انسان به بدنش تعلق گرفت، اگرچه منزّه از رذائل اخلاقی بود ولی تهی از فضائل نبود بلکه با فضائل و گرایش به حق آفریده شد که از آن به به «فطرت توحیدی» یاد می شود.^۳

4- پیشگیری

در لغت: پیشگیری در لغت به معنای جلوگیری، دفع، صیانت، پاسداری، ممانعت، بستن جلو، جلوی وقوع چیزی را گرفتن، به کارگرفتن امور احتیاطی برای مانع شدن از رخدادهای بد و ناخواسته، می باشد.^۴ در فرهنگ عمید نیز در تعریف لغوی پیشگیری جلوگیری و مانع شدن از یک رویداد نامطلوب آمده است.^۵ در این سه تعریفی که از واژه «پیشگیری» ارائه شد از جهت اینکه در آنها «جلوگیری از وقوع یک رخداد نامطلوب» ذکر شده است یک نوع تعریف مضیق است. زیرا پیشگیری اعم از جلوگیری از یک رخداد نامطلوب است بلکه اگر جلوگیری از یک رخداد، به صورت مطلق بیان می شد صحیح تر بود تا مقید به «رخداد نامطلوب». به هر حال هر اقدامی را که به منظور ممانعت از وقوع یک پدیده، قبل از وقوع آن که در واقع پیش دستی و پیش گرفتن است را شامل می شود. و همچنین پیشگیری در لغت نامه دهخدا نیز به معنای «عمل پیش گیر، دفع، مانع، ازپیش مانع چیزی گرفتن، جلو بستن، پیش بندی کردن» آمده است. پس می توان گفت معنای لغوی «پیشگیری» در دو بخش «جلوی وقوع چیزی را گرفتن» و «هشدار درباره وقوع چیزی» نهفته است.

^۱ نحل (16) آیه 78

^۲ روم، آیه 30

^۳ جواد آملی، مراحل اخلاق در قرآن، چاپ دوم، قم، آسوه، 1378، صص 21 - 22

^۴ محمد معین، ص 933

^۵ حسن عمید، ص 608

^۶ علی اکبر دهخدا، ج 4، ص 5991

در اصطلاح: پیشگیری در اصطلاح در هر حوزه‌ای دارای معنایی خاص و مجزاً از حوزه دیگر می‌باشد. مثلاً پیشگیری در حوزه بهداشت به یک معنا و در حوزه جرم‌شناسی به معنای دیگر می‌باشد. و همچنین در سایر حوزه‌های دیگر متفاوت است و در حوزه اخلاق، پیشگیری به این معناست که انسان قبل از اینکه خودش یا دیگران، دچار مفاسد اخلاقی شوند و روح خود را از ارزش و منزلتی که خدا به او عنایت کرده است تنزل دهد، با برنامه یا برنامه‌های اخلاقی و منظم، از افتادن یا فرورفتن در آن مفاسد جلوگیری کند. پیشگیری در حوزه اخلاق را می‌توان به مثابه بهداشت در حوزه سلامت تن و روان دانست، هدف بهداشت عبارتست از پیشگیری از ابتلای به بیماری و هدف از پیشگیری در حوزه اخلاق، جلوگیری از ابتلاء و وقوع در مفاسد اخلاقی می‌باشد. پس خلاصه این مطالب در تعریف اصطلاحی پیشگیری در حوزه اخلاق این شد که اخلاق دارای دو بخش است: حفظ فضائل، دفع رذائل؛ مرحله پیش از بروز اختلال را که در اخلاق، حفظ اعتدال خوانده می‌شود را پیشگیری می‌نامیم.

5- درمان

در لغت: در کتاب فرهنگ معاصر فارسی، درمان چنین تعریف شده است «مجموعه کارها و وسایلی که برای بهبود بیمار به کار می‌رود، معالجه، چاره»¹ و همچنین در کتاب لغت‌نامه دهخدا، درمان به این نحو تعریف شده است: «درمان عبارتست از علاج و دارو و درمان، علاج بیمار، دارو، چاره، آنچه درد را بزدايد»² و در لغت نامه‌های دیگر نیز درمان چنین معنا شده است.³

¹ . غلامحسین صدری افشاری، فرهنگ معاصر فارسی (تک جلدی)، چاپ سوم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1381، ص 588

² . علی اکبر دهخدا، ج 7، ص 10653

³ . مثلاً در کتاب فرهنگ زبان فارسی، نوشته مهشید مشیری، درمان به معنای «بهبود یک بیماری جسمی یا روحی، بهبود مشکل، حل مسأله، چاره، دارو و دوا» آمده است.

در اصطلاح: واژه «درمان» از آن جمله واژه‌هایی است که برای اکثریت مردم، معنایش روشن است. فلذا کتاب و متنی که به صورت مفصل به تعریف اصطلاحی آن و توضیح در مورد آن پرداخته باشد یافت نشد و بیشتر، این واژه در حوزه‌های پزشکی و روانپزشکی به کار برده می‌شود که در روانپزشکی چنین آن را تعریف نموده‌اند: «مشغول داشتن شخص به فعالیت‌های دماغی یا بدنی برای درمان یا بهبود حال وی پس از بیماری یا آسیب یا برای سازگار ساختن او با محیط و اوضاع زندگی»¹ پس درمان به کلیه اقداماتی اطلاق می‌شود که در شرایط پس از ابتلای به بیماری جسمانی یا روانی، به منظور بازگرداندن سلامت پیشین انجام می‌گیرد. اما این تعریف، تعریفی عام است و اگر ما بخواهیم تعریفی از «درمان» در حوزه اخلاق ارائه کنیم چنین می‌گوئیم که «درمان» در اخلاق، اقدامات لازم برای بازگرداندن سلامت اخلاقی و مبری شدن از بیماری‌های اخلاقی، پس از ابتلاء به بیماری‌ها و مفاسد اخلاقی می‌باشد.

¹. علی اکبر دهخدا، ج 7، ص 10653